۲. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره خیزش‌های اسلامی و انقلاب بحرین

۱ فروردین ۱۳۹۰

همزمان با نخستین روز از سال ۱۳۹۰، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دهها هزار نفر از زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ـ علیهما السلام ـ در مشهد مقدس، در سخنان مهمی ضمن ارزیابی حرکت کلی کشور در سال ۸۹ بویژه در زمینه تحقق شعار همت مضاعف و کار مضاعف در عرصه های مختلف از جمله علم و فناوری، به تبیین شعار جهاد اقتصادی برای سال ۱۳۹۰ و شاخص و الزامات این حرکت عظیم اقتصادی پرداختند و در پایان نیز با بیان موضع جمهوری اسلامی در قبال حرکتهای مردمی اخیر در منطقه، اقدامات مزورانه آمریکا و غرب را تشریح کردند.

بخشی از سخنان ایشان که مرتبط با خیزش اسلامی است به شرح زیر است:زیر است:

حوادثی که اخیراً در منطقه اتفاق افتاده است ـ حوادث مصر، تونس، لیبی، بحرین ـ حوادث بسیار مهمی هستند. یک تحول بنیانی دارد در این منطقه‌ی اسلامی و عربی انجام می‌گیرد؛ این نشانه‌ی بیداری امت اسلام است. همین چیزی که ده‌ها سال است شعار آن در جمهوری اسلامی داده می‌شود، امروز در متن زندگی این کشورها دارد خود را نشان می‌دهد.

دو خصوصیت در این تحولات وجود دارد :یکی عبارت است از حضور مردم، و دیگری عبارت است از سمت و سوی دینی در این حرکتها. این، دو عنصر اساسی است. حضور مردم با جسم خودشان؛ همان اتفاقی که در انقلاب اسلامی افتاد. احزاب و پشت میز نشین‌ها و برج عاج نشین‌ها و تحلیلگرهای ذهنی هیچ کاری نتوانستند انجام دهند. هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که توانست مردم را وارد صحنه کند. وقتی مردم به عرصه آمدند، جسم خودشان را، دل خودشان را، نیت و همت خودشان را وارد عرصه کردند،

گره‌های کور باز شد، راه‌های بن‌بست گشوده شد. امروز همین اتفاق دارد در کشورهای دیگر می‌افتد. در مصر یا در تونس مردم آمدند وارد صحنه شدند؛ والّا روشنفکران و برج عاج نشین‌ها همیشه بودند، همیشه هم حرف میزدند؛ خیلی از اوقات هم مردم را دعوت می‌کردند، کسی به حرف آنها چندان توجهی نمیکرد .اینجا خود مردم وارد صحنه و عرصه شدند و گرایش و جهتگیری آنها هم جهتگیری دینی است؛ یعنی نماز جمعه است، نماز جماعت است، نام خداست، علمای دینند، افراد مبلّغ دین و بنیانگذاران تفکر نوین دینی در بعضی از کشورها هستند .اینها وارد میدان شدند، لذا مردم هم آمدند توی صحنه. این، خصوصیت این قضیه است. چرا آمدند؟ آن چیزی که آنها را کشاند، به صورت واضحی مسئله‌ی عزت و کرامت انسانی آنها بود. در مصر، در تونس و همچنین در کشورهای دیگر، غرور مردم به دست این حاکمان ظالم جریحه‌دار شده بود. فرض کنید مردم مصر مشاهده میکردند کسی که در رأس کشورشان قرار دارد، به نیابت اسرائیل، کثیف‌ترین کارها و جنایتها را مرتکب میشود. در قضیه‌ی محاصره‌ی غزه اگر حسنی مبارک با اسرائیل همکاری نمیکرد، اسرائیل نمیتوانست غزه را آنجور زیر فشار قرار دهد و آن جنایتها را مرتکب شود. حسنی مبارک وارد میدان شد، کمک کرد، راه ورود و خروج غزه به مصر را بست. بعد اطلاع پیدا کردند که مردم غزه از زیر کانال زدند، از زیرزمین حرکت میکنند. برای اینکه مردم مظلوم غزه دیگر نتوانند این کار را هم انجام دهند، دیوارهای فولادی به ارتفاع سی متر درست کردند، کردند توی زمین، تا راه این کانالها را ببندند! این کارها را حسنی مبارک کرد. خب، ملت مصر دارند این را می‌بینند؛ لذا غرور ملت جریحه‌دار شد. نظیر این در کشورهای دیگر هم وجود دارد.

مثلاً در لیبی با اینکه قذافی در سالهای اولِ روی کار آمدن، گرایش ضد غربی نشان میداد، اما در سالهای اخیر خدمات بزرگی به غربی‌ها کرد. آنها هم به چشم خودشان دیدند که با یک تهدید خشک و خالی، این آقا امکانات هسته‌ای خودش را جمع کرد، همه را سوار کشتی کرد، داد به غربی‌ها، گفت ببرید! ببینید ملت ما در چه وضعیتی قرار دارد، آنها در چه وضعیتی قرار دارند. ملت ما مشاهده کرد که همه‌ی دنیا به سردمداری آمریکا علیه حرکت هسته‌ای ایران قیام کردند؛ تحریم کردند، دعوا کردند، تهدید نظامی کردند، گفتند حمله میکنیم، چه میکنیم. مسئولین کشور نه فقط عقب‌نشینی نکردند، بلکه علی‌رغم دشمن، امکانات هسته‌ای خودشان را هر سال چندین برابر از سال قبل بیشتر کردند .آنجا مردم دیدند که مسئول کشورشان دستور داد همان امکاناتی که

داشتند، همه را در مقابل تهدید غربی‌ها، یا به قول خودشان در مقابل مشوقهای غربی‌ها جمع کردند. مثل اینکه یک آب‌نبات ترشی، شکلاتی توی دهن یک بچه‌ای بگذارند، به اینها مشوق دادند، اینها هم همه را از دست دادند و رفتند! خب، ملت این را می‌بینند، دلش خون میشود، غرورش جریحه‌دار میشود. در همه‌ی این کشورهائی که مردم آنها قیام کردند، این قضیه مشاهده میشود.

خب، موضع آمریکائی‌ها چه بود؟ برای ما این مهم است. آمریکائی‌ها اول در مقابل این حوادث متحیر ماندند، دچار بی‌تحلیلی شدند؛ نمیفهمیدند چه دارد اتفاق می‌افتد، باورشان نمی‌آمد. بعد از آنکه این حوادث اتفاق افتاد، چون تحلیل درستی از حوادث نداشتند، مردم را نمیشناختند، مواضع متناقضی گرفتند. البته آنچه که تا امروز در مورد این کشورها و دیگر کشورها همواره در رفتار آمریکائی‌ها دیده شده، پشتیبانی از دیکتاتورها بوده است. از حسنی مبارک تا آخرین لحظه‌ای که میشد دفاع کنند، دفاع کردند؛ بعد دیدند دیگر نمیشود، آن وقت انداختنش دور! این هم یک درس عبرتی است برای سردمداران وابسته‌ی به آمریکا که بدانند آن وقتی که دیگر تاریخ مصرف خود را طی کنند و فایده‌شان را از دست بدهند، اینها مثل یک پارچه‌ی کهنه‌ای آنها را دور می‌اندازند و به آنها اعتنائی نمیکنند! اما اینها تا آخرین لحظه از دیکتاتور دفاع و حمایت کردند.

آنچه که برای غرب و برای آمریکا اتفاق افتاد، حقیقتاً غیر قابل تحمل بود و هست. مصر یکی از ستونهای اصلی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکاست؛ به این سیاست متکی بودند. آنها نتوانستند این ستون را به نفع خودشان حفظ کنند؛ ملتها فائق آمدند .آمریکائی‌ها تلاش کردند شاکله‌ی آن نظام را حفظ کنند. این تزویرها و ترفندهای آمریکائیِ غربی است، موذیانه و خباثت‌آلود، اما در عین حال سطحی؛ که اگر ملتها هوشیار باشند، میتوانند این تزویرها را رو کنند، این ترفندها را باطل کنند. آمریکائی‌ها سعی کردند حالا که حسنی مبارک را در مصر یا بن‌علی را در تونس از دست دادند، شاید بتوانند شاکله‌ی نظام را حفظ کنند .آدمها عوض بشوند، اما نظام باقی بماند؛ لذا اصرار و پافشاری کردند که در آن کشورها یک نخست‌وزیر حتماً باید بماند؛ اما ملتها قیام خودشان را ادامه دادند، بر این ترفند هم فائق آمدند و این دولتها را هم ساقط کردند. به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، سلسله‌ی شکستهای آمریکا در این منطقه ادامه پیدا خواهد کرد.

در قضایای منطقه، موضع نظام جمهوری اسلامی روشن است. موضع ما، دفاع از ملتها و حقوق ملتهاست. ما با ملتهای مسلمان و ملتهای مظلوم در هر نقطه‌ی عالم موافقیم؛ با زورگویان و مستکبران و دیکتاتورها و خبیثها و سلطه‌گران و غارتگران در هر نقطه‌ی دنیا مخالفیم؛ این موضع ملت ایران و موضع نظام اسلامی است؛ این موضع آشکار و عیان نظام جمهوری اسلامی است. سیاستها این است، دلها این است، منطقها و بیانها هم این است؛ هم از سوی ملت، هم از سوی مسئولین...

و اما مسئله‌ی بحرین. مسئله‌ی بحرین از لحاظ ماهیت، درست مثل مسائل دیگر کشورهای منطقه است. یعنی مسئله‌ی بحرین با مسئله‌ی مصر، با مسئله‌ی تونس، با مسئله‌ی لیبی هیچ فرقی ندارد؛ ملتی هستند، حکومتی بر سر آنهاست که حقوق آنها را نادیده میگیرد. ملت بحرین با این قیامشان چه میخواستند؟ خواسته‌ی اساسی آنها این است که انتخابات انجام بگیرد، هر یک نفر آدم یک رأی داشته باشد؛ این چیز زیادی است؟ این توقع زیادی است؟ در شکل کار در بحرین یک صورت انتخاباتی وجود دارد، لیکن مطلقاً مردمِ آنجا از حق رأی دادن به این معنا که هر یک نفر یک رأی داشته باشد، برخوردار نیستند؛ دارد به آنها ظلم میشود. خب، اینجا غربی‌ها فرصت را مغتنم شمردند، برای اینکه در قضایای منطقه دخالت کنند، با طرح یک مسئله‌ی جدید؛ مسئله‌ی شیعه و سنی. چون مردم بحرین بیچاره‌ها شیعه‌اند، بنابراین هیچ کس در دنیا نباید از آنها حمایت کند! تلویزیونهائی که جزئیات قضایای منطقه را پخش میکردند، نسبت به قضایای بحرین سکوت کنند، کشتار مردم بحرین را منعکس نکنند؛ یک عده‌ای هم دربیایند در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس - چه سیاستمدار، چه روزنامه‌نگار - گزافه‌گوئی کنند، بگویند مسئله‌ی بحرین جنگ بین شیعه و سنی است! چه جنگ بین شیعه و سنی؟ اعتراض یک ملت است به ظلمی که دارد به او میشود؛ درست همان جوری که در تونس بود، همان جوری که در مصر بود، همان جوری که در لیبی است، همان جوری که در یمن است؛ فرقی ندارد. آمریکائی‌ها خوشحالند که بتوانند به وسیله‌ی بوقهای تبلیغاتی خودشان در منطقه، مسئله‌ی بحرین را به عنوان یک مسئله‌ی اختلاف بین شیعه و سنی جا بزنند؛ هم کمکهائی که ممکن است به این مردم مظلوم بشود، جلویش را بگیرند، هم ماهیت قضایا را عوض کنند و سرایت بدهند. میگویند چرا ایران از مردم بحرین پشتیبانی میکند. خب، ما از همه پشتیبانی کردیم. ما سی و دو سال است که از مردم فلسطین داریم پشتیبانی میکنیم؛ کدامیک از کشورها،

دولت‌ها و ملت‌ها در این سی و دو سال این پشتیبانی را کردند؟ مگر ملت فلسطین شیعه‌اند؟ در مورد غزه مردم ما چقدر تلاش کردند. جوانهای ما رفتند فرودگاه که راه بیفتند بروند غزه! عازم بودند بروند غزه، علیه اسرائیل بجنگند. خیال میکردند راه باز است. راه بسته بود، نمیشد بروند. ما گفتیم نروید. جلوشان را گرفتیم که وسط راه سرگردان نشوند؛ راه نمیدادند که. مردم ما نسبت به غزه، نسبت به فلسطین، نسبت به مصر، نسبت به تونس، همه جا ابراز احساسات کردند؛ آنها که شیعه نبودند. بنابراین بحث شیعه و سنی نیست. بدخواهانه و بددلانه سعی میکنند مسئله‌ی بحرین را به عنوان یک مسئله‌ی شیعه و سنی وانمود و قلمداد کنند .متأسفانه بعضی از کسانی که آدم خیال میکند انگیزه‌ی سوئی هم ندارند، در این دام افتادند. اگر خیرخواهانی در این بین وجود دارند، من به آنها اعلام میکنم: مسئله را مسئله‌ی شیعه و سنی نکنید؛ این بزرگترین خدمت به آمریکاست؛ این بزرگترین خدمت به دشمنان امت اسلامی است که حرکت عمومیِ ضد استبدادی یک ملت را حمل میکنند به دعوای شیعه و سنی؛ دعوای شیعه و سنی وجود ندارد.

ما بین غزه و فلسطین و تونس و لیبی و مصر و بحرین و یمن تفاوتی نمیگذاریم. در همه جا ظلم به ملتها محکوم است. حرکت ملتها با شعار اسلام و در جهت آزادی، مورد تأیید ماست. اوج وقاحت آمریکائی‌ها آنجائی است که دخالت تانکهای دولت سعودی را که آمدند توی خیابانهای منامه‌ی بحرین، دخالت نمیدانند؛ اما وقتی مراجع تقلید ما، علمای ما، خیرخواهان ما میگویند مردم را نکُشید، میگویند شما دخالت کردید! این دخالت است؟! اینکه ما به یک دولتی، یک رژیم ظالمی خطاب کنیم، بگوئیم مردمِ خودتان را نکُشید، این دخالت است؛ اما آمدن تانکهای بیگانه توی خیابانهای بحرین، دخالت نیست! این اوج وقاحت آمریکائی‌ها و اذنابشان در منطقه است که اینجور حرکت میکنند، اینجور حرف میزنند، اینجور تبلیغات میکنند. البته به نظر ما دولت سعودی اشتباه کرد، نباید این کار را میکرد؛ خودش را در منطقه منفور میکند. خب، آمریکائی‌ها هزاران کیلومتر با اینجا فاصله دارند؛ اگر منفور هم بشوند، ممکن است برایشان آنقدر اهمیت نداشته باشد؛ لیکن سعودی در این منطقه دارد زندگی میکند؛ ملتها از او متنفر باشند، مبغوض ملتها باشد، برایش خیلی خسارت سنگینی است. آنها اشتباه کردند این کار را کردند. هر کس دیگر هم این کار را بکند، اشتباه کرده.

آنچه که من به طور قاطع عرض میکنم، این است که به توفیق پروردگار یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملتهاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده‌ی بیداری عمومی ملتهاست و طبق وعده‌ی الهی، این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید.